

سؤال و استفسار فرموده بودند، به این جانب تلفن کرد و ضمناً گفت چرا نمی آید و چرا در مشهد معطل هستید. چندبار امام از شما پرسیده است.

پس از سؤال و جوابهایی، من پرسیدم خیر تازہ چیست؟ گفت: همه هیأت علمیه تهران به مصاحبت یکی از خطبا مشرف بودیم. امام امر فرمودند که: سکوت ممتد را شکسته به منبر رود. وی هم به منبر رفت و اظهار داشت: (ما حاصله): «این انقلاب، ثمرهٔ مجاهدات شخصی نیست،

همه علماء در آن ذی سهم هستند.»

من در همان مذاکره تلفنی گفتم: جناب رفیق شفیق! به قول تبریزیها نماز قضاء دارد؛ اما جواب را قضایی نیست! بنابراین در همین موقف اندک تأمل نموده و پرائتوز باز کنید تا جواب را در ضمن بیٹی از حافظ به سمع شریف برسانم و سپس ادامه بدهید.

گفت: پرائتوز باز است.

این بیت را خواندم:

هزار نقد به بازار کائنات آرند

یکی به سگه صاحب عیار ما نرسد
انصافاً بی انصافی شده است. غیر از ایشان،

اول به حسابها رسیدگی می کردند چنانچه ادنی لطمه ای به آن وارد نمی شد اعلامیه می دادند، آن هم شاید از کثرت اعتراض من حولهم پس اصالة الجهد محفوظ نبود؛ اما صاحب عیار ما خود را به آب و آتش می زند و آماده هرگونه پیش آمد بود.

آری صحابه هم می جنگیدند مولی هم می جنگید. اما مولی از زبان سیده نساء:

«كلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله... فلا ينكفي

حتى يظأ صماخها باخمصه ويخمد لهبها بسيفه
مكدوداً في ذات الله مجتهداً في امر الله قريباً من
رسول الله (ص) سيداً في اولياء الله مشمراً ناطحاً
مجداً كادحاً وانتم في بلهنية من العيش وادعون
فاكهون آمنون» (اعيان الشيعة ج ۲/۳۰۰، چاپ قدیم).

آية الله اميني

که در کمتر کسی جمع می شود. رمز موفقیت او را باید در مجموعه آن صفات جستجو کرد. مانند: آرامش نفس، قاطعیت، شجاعت، اخلاص، استقامت، بی اعتنائی به جاه و مقام بی توجهی به امور مادی و دنیوی، تقوی، تسلط بر نفس، بینش سیاسی، بینش اجتماعی، تدبیر، آینده نگری،

حوزه: به نظر حضرت عالی رمز موفقیت حضرت امام، چه بود؟

امام خمینی، قدس سره الشریف، یک شخصیت استثنایی و ممتاز بود ویژگیهای داشت

تیزهوشی، ذکاوت، ساده‌زیستی، آگاهی به زمان، هیبت و وقار، خوب سخن گفتن، خوب نوشتن، فقاقت و مرجعیت، قیافه زیبا و جالب. ولی به نظر من، مهمترین رمز موفقیت حضرت امام، در دو چیز بود که منشأ و ریشة همه فضائل و کمالات او محسوب می‌شوند.

۱. ایمان قوی.

۲. عقل و هوش عالی.

اما ایمان: ایمان حضرت امام، از مرحله مفاهیم و تصورات دینی فراتر رفته بود و به مرتبه حضور و شهود و یقین رسیده بود و چنین ایمانی بود که موجب توکل و آرامش، اخلاص، عمل به وظیفه، قاطعیت، شجاعت، تسلط بر نفس، بی‌اعتنائی به جاه و مقام و امور دنیوی، استقامت و پایداری، هدف‌داری و بی‌باکی حضرت امام می‌شد.

به نظر من، وقار و عظمت و هیبت و بزرگی حضرت امام نیز، در اثر همین ایمان کامل بود. حتی تشخیص وظیفه را نیز معلول همین ایمان و تقوا می‌دانم.

چون به مرحله یقین رسیده بود، وظیفه‌اش را به خوبی تشخیص می‌داد و با قاطعیت هدف را تعقیب می‌کرد و از هیچ نیرویی نمی‌هراسید و به وعده‌های الهی اطمینان و آرامش داشت. سخنانش از ایمان و یقین برمی‌خاست؛ لذا در دلها می‌نشست و در اعماق نفوس، نفوذ می‌کرد و به آنها آرامش و امید می‌داد.

اما عقل و هوش عالی: از مهمترین عوامل پروری امام، عقل و فراست و تیزهوشی فوق‌العاده

او بود. در اثر همین تیزهوشی بود که هدف را به خوبی تشخیص می‌داد و راههای وصول به هدف و موانع و مشکلات و راه‌حلهای آنها را کاملاً می‌شناخت و قاطعانه هدف را تعقیب می‌نمود.

کسانی که با حضرت امام آشنا بودند و در تصمیم‌گیریهای او دقت داشتند، به خوبی می‌دانند که بزرگترین رمز پیروزی او همین دو صفت؛ یعنی ایمان کامل و عقل و درایت کافی بود. برای این موضوع، شواهد فراوانی را می‌توان نام برد که در اثر کمی فرصت از ذکر آنها خودداری می‌شود.

حوزه: حضرت امام، روی چه مسائلی حساسیت بیشتری نشان می‌دادند.

* حضرت امام نسبت به سه موضوع، بسیار حساسیت داشت:

۱. حفظ و حراست از اصل نظام اسلامی و صیانت از کلیه نهادهایی که در شکل اصل نظام دخالت دارند. مانند: هیأت دولت، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قوه قضائیه، مجلس خبرگان رهبری، نیروهای نظامی و انتظامی. چون حضرت امام به ضرورت بقاء اصل نظام اسلامی عنایت داشت. هرگاه که یکی از نهادهای ذی‌ربط را در معرض تضعیف و تهدید می‌دید، شدیداً از آن دفاع می‌کرد. به حفظ استقلال و عظمت نظام اسلامی کاملاً عنایت داشت و برای دفاع از آن، از هیچ عملی پروا نداشت و از ایثار نفوس و اموال مضایقه نمی‌کرد.

۲. حضور مردم در صحنه.

۳. وحدت اقشار مردم.

حضرت امام، کاملاً به این دو موضوع عنایت داشت و این دو موضوع را از مهمترین عوامل پیروزی می دانست و به همین جهت، همواره در تحکیم این دو امر کوشش داشت و آنها را بزرگترین عامل بقاء و استحکام نظام می دانست. همیشه در سخنرانیهایش به این دو موضوع توصیه می کرد و هرگاه که یکی از آنها را در معرض خطر می دید، شدیداً از آن دفاع می نمود. برای اثبات این موضوع، دهها شاهد می توان ذکر کرد.

حوزه: چنانچه خاطره آموزنده ای از حضرت امام، رحمة الله علیه، به یاد دارید بیان کنید.

من خاطرات فراوانی از حضرت امام دارم، چه در دوران قبل از شروع مبارزات، چه در زمان مبارزات و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که همه آنها آموزنده و مفید می باشد؛ لکن ذکر همه آنها در این جا امکان پذیر نیست و به همین جهت به یکی از آنها اشاره می کنم: یکی از ویژگیهای اخلاقی حضرت امام این بود که همواره مراقب نفس خود بود و در کنترل نفس و جلوگیری از اهواء و تمایلات حیوانی و تهیة اخلاص، جدیت و کوشش داشت. در این رابطه، شواهد زیادی به یاد دارم که به یکی از آنها اشاره می نمایم:

بعد از رحلت حضرت آية الله بروجردی، برای رسیدن به مقام مرجعیت حرکتیهای مختلفی در

سطح حوزه و در خارج آن، شروع شد که کاملاً محسوس بود.

تنها کسی که در این رابطه، حرکتی از او دیده نمی شد، حضرت امام، قدس سره الشریف، بود. نه تنها خودش در این راه قدمی بر نمی داشت، بلکه به شاگردان و علاقمندانش نیز، اجازه چنین فعالیت‌هایی را نمی داد. بنده و گروهی از شاگردانش، از این رفتار، شدیداً ناراحت بودیم. به صورتهای مختلف کارهایی را پیشنهاد می کردیم. ولی مورد قبول واقع نمی شد. از جمله آنها تأسیس جلسه استفتاء بود. خوانندگان می دانند که وجود یک جلسه استفتاء، از علائم مرجعیت بوده و هست. همه کسانی که در مظان مرجعیت بودند، جلسه استفتاء داشتند، ولی حضرت امام، از تأسیس چنین جلسه‌ای شدیداً امتناع می نمودند.

بنده که شدیداً به ایشان علاقه داشتم، دلم می خواست جلسه استفتائی برای ایشان تأسیس کنم، ولی می دانستم که مخالفت خواهند کرد. تصمیم گرفتم موضوع را به صورت دیگری مطرح سازم. شاید مورد قبول واقع شود.

یک روز، به طور خصوصی خدمتشان رسیدم و گفتم: شما می دانید که در بین شاگردان آية الله بروجردی، تعدادی افراد فاضل و ممتاز هستند که حاضر نیستند بعد از ایشان، در درسهای دیگر شرکت کنند. در صورتی که اگر مدتی به بحث و تحقیقات فقهی اشتغال داشته باشند، آینده درخشانی خواهند داشت و از اساطین حوزه خواهند شد.

آیا شما حاضر نیستید به اینها کمک نمایید؟

فرمود: حاضر، چه کنم؟
گفتم: آنان را دعوت می‌کنیم که هر هفته چند جلسه خدمت شما باشند.
شما هم مسائل فقهی دشواری را که در طول جلسات درس با آنها مواجه می‌شوید، در حضور آقایان مطرح می‌سازید تا مورد بحث قرار بگیرد.
بدین وسیله هم آنها پرورش می‌یابند و تکمیل می‌شوند و هم شما از نظر آنها استفاده می‌نمائید.
امام که در طول صحبت من، به زمین نگاه می‌کرد، سر برداشت و گفت:

«آقای امینی من از شما انتظار داشتم که به من بگویی: پیر شده‌ای و مرگ تو نزدیک شده، به فکر آخرت خود باش و بقیه عمرت را به غفلت و بطالت صرف نکن؛ اما تو در عوض به من پیشنهاد جلسه استفتاء می‌دهی! آخر من که مرجع تقلید نیستم که جلسه استفتاء لازم داشته باشم!»
من از پیشنهاد خودم پشیمان شدم و عذر خواستم. و دهها نمونه دیگر از این قبیل به یاد دارم که مجال برای عرضه آنها نیست.

آیه‌الله بنی‌فضل

علیهم آلاف التحية والصلوة والسلام، بود.
از باب خالی نبودن عریضه عرض می‌شود.
رمز موفقیت حضرت امام، عمدتاً، درد و چیز بود:

حوزه: به نظر حضرت عالی رمز موفقیت حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، چه بود؟

۱. اعتقاد راسخ به مبدأ و یقین به معاد و عقبات عالم آخرت و سؤال و جواب قبر و محشر، خلاصه این که حضرت امام، در تمام لحظات، خود را بنده خدا و در محضر رب می‌دانست.
۲. تصمیم جدی و قاطع و همت بلند. هر آنچه را که وظیفه و تکلیف شرعی تشخیص می‌داد، اقدام جدی می‌کرد و لو این که دنیا و من فیها، با ایشان مخالفت می‌کرد، از تصمیم خود منصرف نمی‌شد. به لومه الائمن ذره‌ای اعتنا نمی‌کرد. حتی در دوران نهضت مقدسش، از سال ۴۱ تا

با عرض سلام و ابراز ارادت از حسن ظن متصدیان محترم مجله حوزه به این جانب که در آستانه دومیین سالگرد حضرت امام، قدس سره الشریف، چند نا سؤال مطرح و با پاسخ به آنها در پیمودن راه امام راحل، طلب یاری نموده‌اند تشکر می‌کنم. البته امثال بنده عاجزتر از آن هستم که درباره فضائل اخلاقی و معنویات حضرت امام، سخن بگوئیم، یا چیزی بنویسیم؛ چرا که حضرت امام، تالی تلو حضرات معصومین،